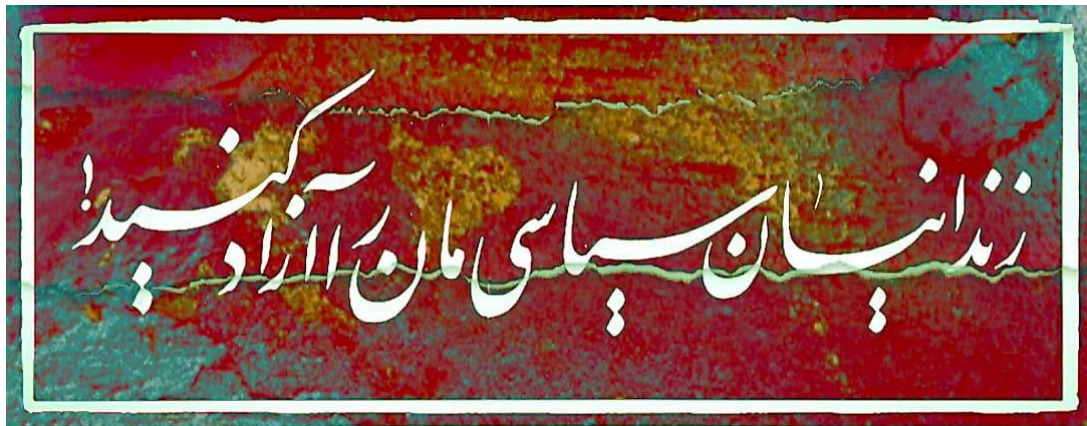


یادداشتی بر عفو اعلام شده ...!



امیرجوهری لنگرودی

amir\_772@hotmail.com

پنجشنبه ۲۷ بهمن ۱۴۰۱ برابر با ۱۶ فوریه ۲۰۲۳

روزگاری است که زمان بر ما ایرانیان به شدت سخت می‌گذرد. هر آنچه که به جلو می‌رویم راه ناهموار و راهکار دشوارتر می‌شود. در مقابل اعلام عفو، این پرسش مطرح است: آیا این سطح از آزادی‌های اعلام شده را می‌توان مسکنی برای خشم فروخته جامعه ایرانی شمرد؟!

در توضیح دلایل چنین اقدامی گزاره‌های گوناگونی مطرح شده؛ از کمبود امکانات و کسری هزینه‌ی نگهداری محکومان تا نمایشی برای جلب اعتماد غرب برای ادامه‌ی مذاکرات هسته‌ای و حتی دلجویی مقامات حکومتی، مهم‌ترین دلیل اما چیزی نیست جز اراده‌ی مردم آزادی‌خواه بر تداوم اعتراضات و پیگیری مطالبه‌ی آزادی زندانیان سیاسی در کف خیابان که باعث این عقب نشینی حکومت شده است. حجم وسیع و فشار گسترده‌ی جنبش اعتراضی درون کشور خاصه دانشجویان، با شعار «زندانی سیاسی آزاد باید گردد» در کنار فشار جهانی اپوزیسیون خارج از کشور بر سرکلیت نظام، شما را وادار به عقب نشینی نمود که «عفو ملوکانه دیکتاتور منشانه» گزینشی را متوجه زندانیان سیاسی، زنان و مردان کنید که همین اثاب مسرت خاطر خانواده‌ها و جامعه را فراهم آورده، خود نقطه‌ی امید و نشانه‌ی پیروزی مردم است؛ با این همه خیل وسیع زندانیان سیاسی و عقیدتی ما هنوز در زندان‌های تان حضور دارند و بلا تکلیف‌اند... آزادی یکایک آنان خواست مقدم ماست. باید آزاد گردند!

سرکوب اعتراضات مردم، داغ‌های جبران ناپذیری بر تن و جان مادرانی که حتی پیکر فرزند کشته‌شده‌ی خود را ندیده و در درون تلی از خاک، از کشتن آن‌ها خبردار شدند. خانواده‌هایی که هنوز عزیزانشان مفقودند و افرادی که با آسیب‌های جسمی و روحی شکنجه‌ها و کشتار سبوعانه درگیرند، بر جا نهاده که در این عفو و آزادی زندانیان سیاسی، پاسخگویی را نمی‌بینند.

مشکل جامعه ما با شما حاکمان سنگدل، تنها بر سر به زندان کشاندن فرزندان جامعه ما نیست؛ شما طی سالیان گذشته‌ی حکومت‌تان فقط عزیزان مان را به زندان‌ها ننداخته، بلکه جامعه‌ای را به تباهی کشیده‌اید. شما طی این مدت بیش از پانصد نفر را در اعتراضات خیابانی با انواع گلوله‌های جنگی و یا زیرمشت و لگد و ضربات باتوم، با دشنه و چاقوی مزدوران بسیجی و لباس شخصی‌های تان سربه نیست کردید؛ شما کودک کُشتید، دانشجو کُشتید، به دختران جوان ما تجاوز کردید، ده‌ها نویسنده، روزنامه‌نگار و هنرمند را ربودید و به ناکجاآبادها بردید. به ناهنجارترین شکل، شما تعداد زیادی دختر دانش آموز و دانشجو را از مدارس، دانشگاه‌ها و خیابان ربودید و جان به لب کردید که از تعدادی‌شان هیچ نشانی نمانده است. از جانب شما بیش از بیست هزار نفر بازداشت شدند که متجاوزان صد‌ها تن از آنان با احکام محاربه و اعدام مواجه هستند. شما چهارکارگروان معترض به اسامی «محسن شکاری»، «مجیدرضا

رهنورد»، «محمد کرمی» و «محمد حسینی» را اعدام کردید. تعداد پرشماری از دستگیرشدگان زیر شکنجه‌های مأموران شما جان باخته‌اند، ضمن اینکه هزاران نفر در اعتراضات خیابانی مجروح و صدها نفر یک یا دو چشم خود را از دست داده و نابینا شدند. آنچه عفو نامیده‌اید را در چنین فضایی باید سنجید. این شما جنایتکاران نیستید که ما را عفو می‌کنید. شما شایستگی صدور هیچ فرمانی ندارید، مجرمید و باید برای جرم و جنایات خود محاکمه شوید.

روزنامه شرق و سایر خبرگزاری‌های رژی، از تعدادی حدود ۱۰ هزار نفر نامبرده‌اند که بناست با «عفو رهبری که در اصطلاح عفو خاص یا خصوصی نامیده می‌شود، و در مناسبت‌های خاص مانند مناسبت‌های مذهبی و اعیاد به پیشنهاد رئیس قوه قضائیه صادر می‌شود» (۱) آزاد شوند و در توضیح این‌که «عفو رهبر انقلاب شامل چه کسانی می‌شود؟» از آن‌چه که مثل بازداشت‌ها، آردی هم در عمل مبنایی قانونی ندارد، مواردی از قانون عفو (بخشش) زندانیان را باز آورده‌اند!

این خبر را که در قالب یادداشت‌هایی بفرموده - نهاد‌های امنیتی - از خبرگزاری فارس (سپاه) تا شرق (اصلاح‌طلب) و خبرگزاری‌ها و رسانه‌های حکومتی متعدد باز نشر شده، از روی موارد قانون جزا باز نویسی کرده‌اند. البته در این وضعیت تا به امروز هیچ وقت حاکمیت اسلامی مطابق قوانین خودش هم عمل نکرده است!

مثلاً در همان مرجع خبری آمده است: «متهمان و محکومان حوادث اخیر کشور از تاریخ ۲۵ شهریور امسال تا امروز که دستگیر، بازداشت یا تحت تعقیب قرار گرفته‌اند، در صورت داشتن شرایطی که در ادامه به آن اشاره می‌شود پرونده‌شان در هر مرحله‌ای که باشد، مختومه می‌گردد و مورد عفو قرار می‌گیرند.» (مأخذ پیشین) در حالی‌که تاکنون تعدادی از آزدشدگانی هم که قبل از این تاریخ بازداشت و زندانی شدند، خوشبختانه مشمول این به اصطلاح عفو شده‌اند. در بند [خ] معیارها نوشته شده است: «اظهار ندامت و تعهد کتبی مبنی بر عدم تکرار جرم امنیتی مشابه» در حالی‌که هستند تعداد زیادی از افرادی که پای هیچ تعهدی نرفته‌اند و خوشبختانه آزاد شدند.

باتوجه به این‌که اکثر آزادی‌ها از افراد مشهورتر انجام شده، هنوز نگرانی برای هزاران زندانی سیاسی قدیمی و جدید گمنام و ناشناخته وجود دارد. جای بسی خوشحالی‌ست که عزیزانمان بر اثر مقاومت خود و خانواده‌های‌شان در داخل و بیرون حصار زندان و مبارزات مردم در خیابان‌ها آزاد می‌شوند و حکومت را وادار به چنین عقب نشینی کرده‌اند. ممکنه تا مقطع انتشار این یادداشت تعدادی از این نام‌وران آزاد کردند که بسی جای خوشحالی خواهد بود اما باید حاکمیت را به چالش کشید که دیگر زندانیان (همه‌ی زندانیان سیاسی- امنیتی - عقیدتی) همچون: زینب جلالیان، سپیده قلیان، سعید ماسوری، غلامحسین کلبی، افشین بایمانی، سعید شاه‌قلعه، عبدالامام زایری، یحیی نواصری، ناظم بریهی، عبدالزهره‌لیچی، حبیب‌الله لطیفی، سیدجابر آلبوشکه، محمدعلی عموری نژاد، سیدمختار آلبوشکه، یونش آقایان، علی بیگلر، حسن عیبات، توماج صالحی، سعید مدنی، ناهید تقوی، مهوش شهریاری، مریم حاج حسینی، نوید احسانی، الهه محمدی، مصطفی نیلی، بهاره هدایت، نرگس محمدی، سعید ماسوری، مریم اکبری منفرد، آرش کیخسروی، امیرسالار داوودی، گیتی شفیعی، اسماعیل عبدی، رسول بداغی، جعفر ابراهیمی، کیوان مهتدی، علی اسداللهی، رضا شهابی، حسن سعیدی، داود رضوی و... را نیز هر چه زودتر آزاد کند. شعار «زندانی سیاسی آزاد باید گردد» را به شعاری کانونی بدل نماییم؛ «آزادی همه بازداشت‌شدگان ماه‌های اخیر را» برجسته‌سازیم. باید به مبارزه و مقاومت ادامه داد تا دیگر هیچ‌کجا و هیچ‌حکومتی نتواند زندانی سیاسی داشته باشد. بخشی از این مقاومت تداوم دادخواهی و افشاگری‌ست. آمران و عاملان بازداشت‌های غیرقانونی، بازجو و شکنجه‌گران و زندان‌بان‌ها و همه‌ی مسئولینی که این اعمال غیرقانونی را مرتکب شده‌اند باید محاکمه و پاسخگو باشند.

۱- شرق، عفو رهبر شامل چه کسانی می‌شود؟، ۶ بهمن ۱۴۰۱